

نتایج خیانت هیات حاکمه ایران به منافع ملی کشور ما و اعتماد به امپریالیسم

ترامپ رئیس جمهور آمریکا همانطور که وعده کرده بود، توافقنامه برجام (برنامه جامع مشترک) را با ایران به زیر پا گذارد و مجدداً دروغ؛ فحاشی و زبان گلوله و تهدید و به صورت غیرقانونی در صدد توجیه نظر خود برآمد. ما در گذشته این مسئله را طرح کردیم و این شرایط را پیشبینی نمودیم. روشن است که **توافقنامه؛ قرارداد نیست** و این نخستین عوامفریبی آمریکا در مذاکرات با تیم هسته‌ای ایران بود که توافقنامه‌ای را با فشار و شتاب به نمایندگان بی‌اطلاع و بی‌سواد ایران تحمیل کرد. هر قراردادی باید به تصویب پارلمانهای کشورهای مربوطه رسیده باشد و لذا توسط رئیس جمهور وقت قابل الغاء نیست. این ایران بود که به دست مشتی خیانتکار این توافقنامه را به تصویب مجلس فرمایشی اسلامی رسانید بدون آنکه نمایندگان از مضمون آن اطلاع داشته باشند و در جامعه در مورد آن در مطبوعات و رسانه‌ها بحث شده باشد. هنوز هم مردم ایران نمی‌دانند که در متن این توافقنامه چه چیزهایی پنهان است.

با تصویب این توافقنامه در مجلس فرمایشی جمهوری اسلامی؛ همدستان امپریالیسم آمریکا و اسرائیل در ایران جشن گرفتند و خائنان ایرانی به مردم کشورشان وعده کردند که تحریمها برداشته شده و وضعیت اقتصادی در ایران سامان می‌پذیرد. آنها حق مسلم ایران برای استفاده مسالمت آمیز از انرژی هسته‌ای و آموزش فناوری هسته‌ای را به قیمت حفظ سلطه مشتی راهزن و دزد در حکومت فروختند و آرزو کردند که امپریالیسم آمریکا تلاشی برای سرنگونی آنها به عمل نیاورد. زهی خیال باطل!

هیچکدام از کشورهای طرف مذاکره با ایران؛ به این کاغذ پاره به عنوان قرارداد نگاه نکردند. برای آنها این ورق پاره توافقنامه‌ای بود که به ایران تحمیل کرده بودند. از همان آغاز؛ همانگونه که حزب ما پیشگوئی کرده بود، رئیس جمهور آمریکا بعد از اوپاما؛ قادر بود قانونا این توافقنامه را که به تصویب کنگره آمریکا نرسیده است، شخصاً ملغی اعلام کند. اوپاما نیز بر این حقیقت واقف بود.

نشریه توفان در شماره 187 مهر ماه 1394 - اکتبر 2015 تحت عنوان "بیانیه تحلیلی حزب کار ایران (توفان) پیرامون توافقنامه هسته-ای در وین" نوشت:

"امپریالیسم آمریکا به علت مشکلاتی که در منطقه برایش پدید آمده به کسب زمان تنفس نیاز دارد و برای ده پانزده سال آینده برای خود زمان تنفس آفریده است و از هم اکنون در خفا در پی دسیسه‌های جدید است تا تمام تاسیسات هسته‌ای ایران را بهر نحو که در اختیار خواهد داشت نابود کند. هرگز نباید به امپریالیسم اعتماد کرد. توافقنامه با آمریکا در مسئله هسته‌ای دست ایران را می‌بندد و به مصالح ملی ما صدمه می‌زند. آمریکا به هیچ قراردادی پایبند نیست و همه موازین و ضوابط و پیمانهای برسمیت شناخته شده جهانی را به زیر پا می‌گذارد به وعده‌های این غارتگران چشم امید بستن خوشحیالی و تسلیم خفتبار است. رژیم جمهوری اسلامی در مورد این دورنما و عواقب علمی و فنی آتی این توافقنامه سکوت می‌کند و یا خودش واقعا بر نتایج فاجعه بار آن آگاه نیست و یا راه خیانت ملی را آگاهانه در پیش گرفته است."

ترامپ در سخنرانی خویش برای خروج از برجام با جنجال و جعلیات اعلام کرد: «رژیم ایران اصلی‌ترین دولت حامی تروریسم است. موشک‌های خطرناک صادر می‌کند، روی آتش درگیری در سرتاسر خاورمیانه بنزین می‌ریزد و از گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامیانی چون حزب‌الله، حماس، طالبان و القاعده حمایت می‌کند».

نشریه توفان در شماره 182 اردیبهشت ماه 1394 برابر مه 2015 تحت عنوان "انگشت را که دادی دست را هم می‌دهی" در مورد سیاست اوپاما و اهدافی که آمریکا دنبال می‌کند نوشت:

"اوپاما در مصاحبه با نیویورک تایمز برای کامل کردن این صحنه سازی‌ها در خصوص نحوه برداشته شدن تحریم‌های ایران پس از توافق هسته‌ای چنین می‌گوید: "هنوز جزئیاتی باقی مانده که باید روی آنها کار شود. اما فکر می‌کنم که چارچوب کلی از ایران می‌خواهد تا گام‌هایی که لازم است در خصوص تاسیسات غنی سازی فردو، سانتریفیوژها و غیره بردارد. آن وقت، تحریم‌های سازمان ملل تعلیق می‌شوند. البته تحریم‌های مربوط به موضوعات اشاعه و موشک‌های بالستیک، پابرجا می‌مانند. آن زمان، ما این حق را برای خود محفوظ می‌داریم که اگر نقض توافق صورت گرفت، آن تحریم‌ها را فوراً بازگردانیم. اما اگر اینطور نشد (نقض توافق رخ نداد)، ایران قادر خواهد بود از زیر بار تحریم‌ها، به جز موارد مربوط به موضوعات اشاعه و موشک‌های بالستیک که به جای خود می‌مانند، خارج شود، البته با در نظر داشتن این که در صورت نقض (توافق)، نظارت دائمی موجب واکنش خواهد شد."

توفان در شماره 191 بهمن ماه 1394 برابر فوریه 2016 تحت عنوان "قلب" حق مسلم ایران در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته-ای" را درآوردند" در توضیح سخنان اوپاما اضافه کرد:

"آقای اوپاما برای اینکه مبدا توهمی پیش بیاید که وی در مقابل ایران عقب‌نشینی کرده است، می‌گوید: "بر اساس توافقنامه هسته‌ای که سال گذشته ما و متحدانمان و شرکایمان با ایران دست یافتیم، ایران به بمب اتمی دست پیدا نخواهد کرد. منطقه، آمریکا و جهان امن‌تر خواهد بود. همانطور که بارها گفته‌ام، این توافقنامه هسته‌ای هرگز هدفش این نبوده است که همه اختلافات ما را با ایران حل کند."

وی ادامه داد: " ... می‌دانیم که همچنان اختلافات زیادی میان ایران و آمریکا باقی مانده است."

...ما همچنان در مخالفت و مقابله با ایران، در رفتارهای بی‌ثبات کننده این کشور در زمینه‌های دیگر از جمله تهدیدهای ایران بر ضد اسرائیل و شرکای ما در حاشیه خلیج (فارس) و حمایت ایران از گروه‌های خشن در کشورهای نظیر سوریه و یمن بسیار سرسخت هستیم.

... ما همچنان تحریم‌هایی بر ضد ایران به علت نقض حقوق بشر، به خاطر حمایت از تروریسم و به خاطر برنامه موشک‌های بالستیک این کشور داریم و به اجرای شدید این تحریم‌ها ادامه خواهیم داد. به طور مثال آزمایش اخیر موشکی ایران نقض وظایف بین‌المللی این کشور بود و در نتیجه آمریکا در حال اعمال تحریم‌هایی بر ضد افراد و شرکت‌های فعال در پیشبرد برنامه موشک‌های بالستیک ایران است و در این باره همچنان هوشیار خواهد بود و در دفاع از امنیت خود و متحدان و شرکای خود هیچ تزلزلی نخواهیم کرد". (تاکید در همه جا از توفان).

می‌بینید که سخنان ترامپ جدید نیست، ادامه سیاست گذشته آمریکاست و نتایج آن از همان روز نخست معلوم بود. اختلافات امپریالیسم آمریکا با امپریالیستهای اروپائی فقط یک امر تاکتیکی است و نباید دوباره فریب آنها را خورد و برایشان حساب جداگانه باز کرد و به ناز و کرشمه آنها دل بست. همه این امپریالیستها با نظریات اوباما و ترامپ موافقت، اختلاف بر سر نوع تحقق سیاست آنهاست. ترامپ بر این نظر است که با خروج از برجام و تشدید تحریمها اقتصادی و سیاسی و... علیه ایران با اشد مجازات برای متخلفان و همراه با پیشنهاد مذاکرات مشترک برای توافقنامه جدید؛ به این اهداف می‌رسد. وی هوادار مذاکرات مجدد و توافقنامه نوین است تا توافقنامه قبلی را با افزودن نکات جدیدی که مورد نظر اروپائی‌ها نیز هست کامل کند.

نظر امپریالیستهای اروپا

اروپائی‌ها بر این نظرند که نباید از برجام خارج شد، بلکه باید با پذیرش ظاهری برجام فشار بر ایران و تحریم‌های جدید را افزایش داد تا ایران در زیر بار فشار خورد شود و همان نظریات اوباما-ترامپ-اسرائیل-عربستان سعودی را در متن توافقنامه جدیدی بپذیرد. البته در این عرصه اروپائی‌ها منافع اقتصادی خویش را نیز در نظر دارند. تسلیم آنها به فشارهای آمریکا یعنی که زمام اختیار امور اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک کشور خویش را به دست آمریکا بدهند و قانونهای خویش را به زیر پا گذارند و تابع تصمیمات دولتمردان و یا کنگره آمریکا گردانند. در اینجا یک مسئله اساسی نیز طرح شده است که قراردادهای و توافقنامه‌های بین‌المللی چقدر ارزش و اعتبار دارند و آیا کشورها می‌توانند به این تعهدات اعتماد کنند؟ اروپائی‌ها که امپریالیسم ضعیفتر هستند از نقض آشکار پیمانهای بین‌المللی که ممکن است در شرایط امروز به ضرر آنها تمام شود اظهار ناراحتی می‌کنند و به این جهت به ترامپ انتقاد می‌نمایند، ولی همه می‌دانند که خود این ممالک همه قوانین برسمیت شده بین‌المللی را برای پیشبرد مقاصد و منافع خویش از جمله در مورد تجاوز به یوگسلاوی، به عراق، به افغانستان، به اوکراین؛ گسترش ناتو به سمت شرق؛ به فلسطین؛ به سوریه و ایران به زیر پا گذارده‌اند. همه می‌دانند که همه این ممالک از ناقضان بزرگ حقوق بشر و ناقضان درجه یک تعهدات جهانی یعنی اسرائیل و عربستان سعودی دفاع می‌کنند و حاضر نیستند اعمال زشت آنها را در آدمکشی؛ نسل‌کشی و تجاوز نظامی محکوم کنند. همه می‌دانند که این قراردادهای بین‌المللی تا موقعی که از پشتوانه زور برخوردارند، به اعتبار این قدرت قهریه؛ اعتبار دارند، وگرنه ورق‌پاره‌ای هستند که ارزش مرکب روی خود را نیز دارا نیستند.

وقتی به سخنان امانوئل ماکرون و یا آنجلا مرکل گوش می‌دهید متوجه می‌شوید که آنها نیز همان سخنان ترامپ را با زبان ملایم‌تری تکرار می‌کنند. آنها هم مدعی هستند که برجام کامل نیست و باید کامل شود. آنها مخالف الغاء آن بلکه موافق تکمیل آن هستند. روزنامه آلمانی زودوویچه سایتونگ مورخ 10/9 ماه ما 2018 نوشته است: "متحدان اروپائی تلاش کردند به لطایف الحیل ظرافتهای قرارداد را حفظ کنند، ولی در عین حال انتقادات محقانه ترامپ نسبت به برخورد ایران با همسایگانش را در نظر بگیرند". (تکیه از توفان).

رهبران بریتانیا؛ فرانسه و آلمان با برنامه ساخت موشک ایران؛ با سیاست خارجی ایران مبنی بر مخالفت با سیاستهای صهیونیستی و تجاوزکارانه اسرائیل و حمایت از مبارزات مردم یمن؛ بحرین و فلسطین مخالفند. آنها مخالفند که ایران به دعوت دولت قانونی سوریه به سوریه برود و با داعش بجنگد و از حق حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه دفاع کند. آنها نیز مانند ترامپ به ایرانی علاقمندند که دست-نشانده آنها باشد و نقش ژاندارمی امپریالیسم را در منطقه ایفاء کند و "امنیت" اسرائیل را تامین کرده و این کشور متجاوز و مصنوعی را به رسمیت بشناسد. آنها یک محمد رضا شاه دیگر در ایران می‌خواهند که سرکوبگر جنبش ظفار و همدست عربستان سعودی باشد.

نشریه توفان در شماره 189 آذر ماه 1394 برابر دسامبر 2015 تحت عنوان "بیانیه تحلیلی حزب کار ایران (توفان) پیرامون توافقنامه هسته ای در وین" نوشت: "امپریالیسم آمریکا قصد داشت با دسیسه چینی در منطقه، تقویت و تسلیح عربستان سعودی و امارات متحده عربی، علم کردن داعش، تجاوز به سوریه و یمن و قتل عام مردم فلسطین در نوار غزه توسط صهیونیسم و عملیات مشابه، ایران را به زانو در آورد و به مصالحه در عرصه سیاست خارجی بکشاند".

همین سیاست را امپریالیسم آمریکا هنوز اکنون ادامه می‌دهد. در این سیاست تغییری پیدا نشده است. تنها تاخیر به وجود آمده و جایگاه اولویتها تغییر کرده است.

ایران؛ عراقی دیگر

امپریالیستها و صهیونیستها بیاری اپوزیسیون جاسوس و خودفروخته ایران مدعی شدند که ایران دارای بمب اتمی است. ولی تا به امروز نیز موفق نشده‌اند، این بمب اتمی را پیدا کنند. همین استدلال را امپریالیستها در مورد عراق می‌کردند و به دروغ مدعی بودند که دولت عراق دارای سلاحهای کشتار جمعی است. تونی بلر جانی نخست وزیر وقت بریتانیا حتی مدعی شد که عراقی‌ها می‌تواند در عرض 45 دقیقه لندن را با سلاح کشتار جمعی نابود کنند. آنها در کنار سلاحهای کشتار جمعی مدعی شدند که باید موشکهای عراق را از بین برد زیرا طول آنها چند سانتیمتر درازتر از طول موشکهای مجاز است و آنوقت موشکهای عراق را به کمک کارشناسان آمریکائی سازمان

ملل متحد نابود کردند. وقتی تمام سلاحهای عراق را از وی گرفتند، تازه شرایط مناسبی به دست آمده بود که به این کشور حمله کنند و تا به امروز نیز آنها در اشغال خویش داشته باشند. حداقل 15 هزار مستشار نظامی آمریکائی در عراق حضور دارند که بر انتقال بی-مانع و بدون کنترل نفت عراق به بازارهای غرب نظارت می‌کند.

امپریالیستها همین نظر را در مورد ایران دارند. نخست با همان هو و جنجال سنتی که از وجود سلاحهای گشتار جمعی در ایران خبر دارند، شروع کردند. بعد به تسلیحات ایران و دانش فناوری موشکی ایران بند کردند تا آنها را از بین ببرند و سرانجام پای متحدان ایران در منطقه از یمن؛ عراق؛ حماس؛ حزب‌الله گرفته تا سوریه را به میان کشیدند و می‌کشند و تلاش می‌کنند این متحدان را تضعیف و بی-ضرر کنند و آنوقت با خیال راحت به سراغ ایران بیایند. در اینجا سخن برای همه طرفها بر سر یک انتخاب استراتژیک است. شکست در سوریه سرآغاز نابودی ایران و نه نابودی رژیم جمهوری اسلامی است.

امپریالیستها تلاش کردند با ایجاد سازمانهای تروریستی القاعده؛ النصر و داعش و سایر گروه‌های تروریستی که ترامپ بی‌شرمانه آنها را به ایران نسبت می‌دهد، حکومت قانونی بشار اسد را سرنگون کنند و پشت دروازه‌های اسرائیل را برای حمله به ایران محکم گردانند. ترامپ دروغگو؛ داعش همدست خودش و دوستانش را دست‌پرورده ایران جلوه می‌دهد و از این همه دروغ شرم هم ندارد. وی مدعی است که در ایران مجدداً بمب اتمی پیدا شده است.

اروپا و آمریکا

همه امپریالیستهای غرب با این سیاست ترامپ برای مهار ایران به نفع امپریالیسم غرب در اساس موافقت، فقط در نحوه تاکتیک اختلاف دارند. از این گذشته اروپائی‌ها قادر نیستند در مقابل فشار آمریکا مقاومت کنند. سخن بر سر سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران آلمانی و یا فرانسوی نیست، سخن بر سر رد و بدل کردن بهای کالاهاست که نظارت بر نقل و انتقال ارز را آمریکائی‌ها در دست دارند. آلمانها و فرانسوی‌ها نمی‌توانند به ایران کالائی صادر کنند که نتوانند بهای آنها دریافت نمایند. از این گذشته با تحریمهای اقتصادی و بانکی نسبت به ایران؛ درآمد ارزی ایران بسیار کاهش یافته است و این درآمد ارزی به علت وابستگی به دلار همواره با نوسانات دلار و بحرانهای مالی در نوسان است. ایران درآمدی ندارد تا بتواند از خارج کالاهای مورد نیاز خویش را وارد کرده و در ایران سرمایه‌گذاری کند. در ضمن هیچ تضمینی وجود ندارد که مانند زمان جنگ عراق؛ اروپا به دو دسته تبدیل نشود. فشارهای آمریکا و اسرائیل بر روی اروپا بسیار شدید است و این خود می‌تواند وحدت اروپا را برهم زند. مسئله ایران برای ترامپ مسئله کنترل و مهار اروپا نیز هست.

رهبران ایران که در امر مبارزه برای به کرسی نشاندن حق مسلم ایران در استفاده مسالمت آمیز از انرژی هسته‌ای به یک خیانت ملی دست زدند، امروز مجدداً به امپریالیستهای اروپائی توسل می‌جویند تا این حضرات آنها را از دست ترامپ نجات دهند. آنها خیانت قبلی را با خیانت جدید کامل می‌کنند. این اقدام دولت ایران مبنی بر دست به دامن اروپا شدن، اقدامی از روی استیصال؛ درماندگی و بی-دورنمایی است.

ایرانی‌های اپوزیسیون؛ اپوزیسیون آمریکائی-اسرائیلی

ایرانیائی هستند که از این اقدام ترامپ رسماً و آشکارا حمایت می‌کنند. این عده همواره در جبهه ضد انقلاب قرار داشتند. ایرانی‌هایی هم هستند که اشتباهات گذشته خویش را با اشتباهات جدید می‌پوشانند. آنها کسانی هستند که همیشه هوادار تجاوز آمریکا به ایران بودند و از سیاستهای تجاوزکارانه جرج بوش دفاع می‌کردند. این ایرانی‌ها که خود را انقلابی می‌خوانند، مدعی بودند که ایران دارای بمب اتمی است و هماهنگ با امپریالیسم و صهیونیسم بر ضد بمب اتمی ایران که هیچوقت پیدا نشده، تبلیغ می‌کردند. این ایرانی‌ها مدعی بودند که ایران دروغ می‌گوید و آمریکا راست می‌گوید و فشار آمریکا بر ایران برای "راست‌آزمائی" ایران است. این ایرانی‌ها از قرارداد خائنانه "برجام" دفاع کردند و مدعی شدند که با این اقدام خطر جنگ بر ضد ایران مرتفع شد. مشتکی نادان هم در خیابانها به کمک ایادی امپریالیستها در ایران رقصیدند. این ایرانی‌ها تبلیغ می‌کردند که اگر ایران از حقوق قانونی خود بگذرد و تسلیم امپریالیستها شود، ایران رونق اقتصادی پیدا می‌کند و بهشت برین می‌شود. همه این ایرانی‌های دروغگو و مردم فریب امروز رنگ عوض کرده و با اروپائی‌ها همزبان شده و مدعی هستند که ایران باید "از دخالت در امور همسایگان خود دست بردارد". به ماجراجویی موشکی دست نزنند و در یک کلام نوکر اجانب شود. ایران نباید سیاست خارجی خودش را خود تعیین کند، بلکه باید از نتانیاهو و ترامپ اجازه بگیرد و این وظیفه را به عهده افرادی نظیر نتانیاهو، آنجلا مرکل، امانوئل ماکرون و دونالد ترامپ واگذار کند تا آنها سیاست خارجی ایران را تعیین کنند. ترامپ مجدداً مسئله سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را به میان کشیده است و در بوق جنگ می‌دمد و از نظر این اپوزیسیون آمریکائی؛ این اقدام ترامپ دخالت آشکار در امور داخلی یک کشور دیگر نیست. به نظر این عده این حق "طبیعی" آمریکاست که به همه زور بگوید. باز این ایرانی‌های خودفروخته و عامل آمریکا و اسرائیل بخواهند خاست و در کنار آمریکا قرار خواهند گرفت، تا رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کنند. هیچکس از این ایرانی‌های آمریکائی-اسرائیلی انتقادی به ترامپ ندارد که یک توافقنامه جهانی را سرخود و با توسل به دروغ برهم زده است. هیچکس از آنها امپریالیسم آمریکا را محکوم نمی‌کند و مرکز ثقل حمله خود را متوجه ترامپ نمی‌گرداند، برعکس آب به آسیاب ترامپ می‌ریزد و خود را انقلابی جا می‌زند. برای همه آنها ایران مقصر است. این عده جاده صافکن‌های امپریالیسم در ایران هستند و از سکوتشان در مورد افساء ماهیت امپریالیسم و صهیونیسم می‌شود به ماهیت سازشکارانه و حتی خیانتکارانه آنها پی‌برد.

خطر جنگ افزایش یافته است

با وضعیت جدیدی که طبقه حاکمه آمریکا از زمان نابودی حق مسلم ایران در مسئله استفاده مسالمت آمیز از نیروی هسته‌ای و تحمیل قرارداد ننگین "برجام" به ایران بوجود آورده است، خطر جنگ که هیچوقت از بین نرفته بود، افزایش یافته است. آمریکا به تقویت عربستان سعودی؛ اسرائیل؛ امارات متحده عربی و اپوزیسیون خودفروخته ایران و تجزیه طلبان کُرد و آذری در ایران مشغول است تا

یک جنگ تمام عیار در منطقه ایجاد کند. آمریکا از ده هزار کیلومتر آنطرفتر به خلیج فارس آمده، پایگاه نظامی ایجاد کرده؛ ده هزار سرباز آمریکائی را در قطر مستقر ساخته؛ ولی این اپوزیسیون خودفروخته ایرانی از دخالت آمریکا در عراق؛ افغانستان؛ سوریه و یمن صحبتی نمی‌کند. آمریکا هرگز در این سیاست راهبردی خویش تغییری نداده بود، ولی آنرا به خاطر وجود سوریه؛ لبنان و فلسطین که پشت جبهه ایران بودند و هستند به عقب انداخته بود، ولی اکنون موقع را برای یک حمله جدید و به علت شکست در سوریه؛ در یمن و در بحرین مناسب تشخیص می‌دهد.

وضعیت ایران به همان زمانی برگشته است که از "حق مسلم خود" دفاع می‌کرد. در آن زمان همه تاسیسات هسته‌ای ایران وجود داشت و کار می‌کرد، دانش هسته‌ای تکامل می‌یافت و وضع اقتصادی ایران بهتر از شرایط فعلی بود. دولت سوریه بر قدرت بود و جنبش حماس در فلسطین برای حقوق ملی خود و بر ضد صهیونیسم مبارزه می‌کرد. شرایط آن روز را با شرایط امروز مقایسه کنید. آنکس که در این زمینه به علت خیانت ملی بازنده شده است ایران است و نه آمریکا. امپریالیسم همان سیاست سنتی خود را ادامه می‌دهد.

رژیم جمهوری اسلامی که انگشتش را به امپریالیسم داد، حالا باید دست و سرش را نیز بدهد. تکیه به امپریالیستهای اروپائی نمی‌تواند این رژیم را از سرنگونی نجات دهد. فساد متعفن و مشهودی که سراپای این نظام مافیائی را در بر گرفته است و تمام خانواده خونی آخوندها در آن منافع دارند و شریکند، به چنان فقری در ایران دامن زده که جان مردم را به لبشان رسانده است. جلوگیری از این راهزنی‌ها؛ پیگرد چند تن از این آقا زاده‌های دزد؛ می‌تواند بسیاری از مشکلات مالی مردم را برطرف کند. می‌تواند منجر به پرداخت حقوق معوقه کارگران گردد. جلوگیری از ورود کالاهای خارجی که تولیدات داخلی را نابود کرده و فقر تولید می‌کنند؛ طبیعتاً به ضرر وزارت بازرگانی مافیائی و تجار اسلامی همدست آنهاست، ولی می‌تواند به زخمهای حاد جامعه ما مرهمی بگذارد. ولی رژیم جمهوری اسلامی که در فساد غوطه‌ور است نه تنها دشمنی سرسخت مردم ایران را در پشت سر دارد، بلکه در روبرو نیز با دشمن قهار امپریالیسم روبروست. سرنوشت همه رژیمهای ضد مردمی که برای مقابله با اجانب به نیروی مردم کشورشان تکیه نمی‌کنند و خواسته‌های آنها را برآورده نمی‌نمایند، همین بن بست است که رژیم جمهوری اسلامی که خواب شب ندارد به آن دچار شده است. مردم ایران باید به دست خود این رژیم فاسد را سرنگون کنند و در این مبارزه به سازمان به رهبری حزب طبقه کارگر ایران نیاز دارند. مبارزه مردم ایران برای اینکه انقلابی و مترقی و موثر باشد، باید از مضمونی ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی و دموکراتیک برخوردار گردد تا خط تمایز آن از همان آغاز با حرکت‌های ارتجاعی انقلابات مخملی نمایان گردد. حزب ما تلاشهای خویش را در حد توانائیش در این زمینه خواهد کرد. در ایران آزاد از دست جمهوری اسلامی مسلماً مردم ایران به حق مسلم و قانونی خویش در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای خواهند رسید و به زیر بار هیچ زورگویی نخواهند رفت .

دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه باد!

حزب کار ایران (توفان)

۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۷

www.toufan.org